



دوماهنامه علمی- پژوهشی
د ۱۰، ش ۳ (پیاپی ۵۱)، مرداد و شهریور ۱۳۹۸، صص ۲۷-۴۶

رده‌شناسی نظام‌مند بندهای مادی در زبان فارسی

اسماعیل صفائی اصل*

دکتری زبان‌شناسی، دانش‌آموخته دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

پذیرش: ۹۶/۱۰/۲۵

دریافت: ۹۶/۷/۱۰

چکیده

رده‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند یا به اختصار رده‌شناسی نظام‌مند به بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود در نظام‌های زبان‌ها می‌پردازد. هدف بنیادی رده‌شناسی نظام‌مند دست‌یابی به تعمیم‌های تجربی قابل اعمال به تمام زبان‌های جهان است. در راستای این هدف، متیسن (2004) به مجموعه‌ای از تعمیم‌های رده‌شناختی دست یافته و در ارتباط با آن تعمیم‌ها، مدعی شده است که آن‌ها را می‌توان در توصیف هر زبان و نیز در تلاش در جهت گسترش تبیین‌های رده‌شناختی در چارچوب دستور نقش‌گرای نظام‌مند به‌کار بست.

هدف از انجام این پژوهش، توصیف رفتارهای رده‌شناختی بندهای مادی در زبان فارسی با توجه به تعمیم‌های رده‌شناختی متیسن (2004) درخصوص آن بندهاست.

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، در بندهای مادی زبان فارسی، (۱) در کنار دو مشارک ذاتی کنشگر و مقصد، مشارک‌های دیگری، یعنی دریافت‌کننده/گیرنده، وادارنده، دامنه، و شاخص، نیز در نمود فرایند دخیل هستند، (۲) گستره مشارک ذاتی کنشگر بسیار وسیع است، (۳) هر یک از مشارک‌های غیرذاتی یادشده در بالا به طریقی به بند مادی اضافه می‌شوند. برای مثال، مشارک وادارنده از طریق فرایند سببی‌سازی به یک بند مادی افزوده می‌شود، (۴) حالت‌نمایی مشارک‌ها به نظر نسبتاً صریح است، و (۵) انتقال مالکیت به‌صورتی متفاوت از سلب مالکیت بازنمایی می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: دستور نقش‌گرای نظام‌مند، رده‌شناسی زبان، رده‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند، بندهای مادی، زبان فارسی.

۱. مقدمه

در رده‌شناسی تعمیم‌گرا/ جزءگرا^۱ - که رویکرد غالب در رده‌شناسی از اوایل دهه ۱۹۶۰ به بعد بوده - دستیابی به همگانی‌های زبانی^۲، یعنی تعمیم‌هایی^۳ قانون‌گونه، مورد نظر است. گفتنی است که در این رویکرد، دستیابی به تعمیم‌های زبانی بر مبنای مقایسه بین‌زبانی ساختارهای خاص از جمله سببی‌سازی، مجهول‌سازی، هم‌پایه‌سازی، و مالکیت استوار است (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۴، ۶، ۲۲). برای نمونه، می‌توان به همگانی‌های رده‌شناختی گرینبرگ^۴ (۱۹۶۶) و هاکینز^۵ (۱۹۸۳) که اساساً در خصوص «ترتیب واژه»^۶ هستند اشاره کرد (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۲۳-۲۸).

در چارچوب رده‌شناسی تعمیم‌گرا/ جزءگرا و از منظر «دستور نقش‌گرای نظام‌مند»^۷، متیسن^۸ (۲۰۰۴: ۵۳۷-۶۷۳) با تکیه بر هدف بنیادی رده‌شناسی نظام‌مند (رک. پی‌نوشت ۷) و از رهگذر بررسی نظام‌های اندیشگانی^۹ (منطقی^{۱۰} و تجربی)، بینافردی^{۱۱}، و متنی^{۱۲} «دستور بند»^{۱۳} زبان‌های متعدد و متنوع^{۱۴} به مجموعه‌ای از «تعمیم‌های رده‌شناختی»^{۱۵} دست یافته است. گفتنی است که تعمیم‌های رده‌شناختی متیسن هم بر واگرایی‌ها^{۱۶} (تفاوت‌ها) و هم بر هم‌گرایی‌های^{۱۷} (شباهت‌ها) نظام‌های زبان‌ها دلالت دارند. گفتنی است که از آن‌جا که این تعمیم‌ها مبتنی بر توصیفات به‌دست آمده از زبان‌ها بوده، متیسن (۲۰۰۴: ۵۳۷) از آن‌ها با عنوان «تعمیم‌های توصیفی»^{۱۸} یاد کرده است. متیسن (*ibid*) در ارتباط با تعمیم‌های رده‌شناختی پیشنهادی‌اش مدعی شده است که آن‌ها را می‌توان در توصیف هر زبان و نیز در تلاش در جهت گسترش تبیین‌های رده‌شناختی در چارچوب دستور نقش‌گرای نظام‌مند به‌کار بست. البته وی بلافاصله تصریح کرده است که «ارائه یک نقشه تعمیم‌یافته هنوز ممکن نیست؛ اما باید در آن جهت حرکت کنیم».

در راستای ادعای یادشده متیسن در بالا، مقاله حاضر تلاش کرده است رفتارهای رده‌شناختی بندهای مادی^{۱۹} در زبان فارسی را با توجه به تعمیم‌های پیشنهادی متیسن در خصوص آن بندها شناسایی و معرفی کند. برای انجام این امر مهم، سؤال زیر مطرح می‌شود:

• در چارچوب تعمیم‌های رده‌شناختی متیسن (۲۰۰۴)، بندهای مادی در دستور بند زبان فارسی چه رفتارهایی را از خود نشان می‌دهند؟

به منظور پاسخ به این سؤال، تلاش شده است با استناد به نمونه‌هایی برگرفته از اسناد

مکتوب متعدد از جمله رمان و منابع دستور زبان فارسی و نیز نمونه‌هایی ساختگی، توصیف دقیق‌تری از بندهای مادی در زبان فارسی به دست آید.

۲. بندهای مادی

۲-۱. کلیات

نظام گذرایی^{۲۰} به عنوان نظام بنیادی فرانش تجربی^{۲۱}، کوانتومی از تغییر را در هیئت ترکیب یک فرایند^{۲۲} با مشارک^{۲۳} (های) دخیل در آن فرایند و افزوده‌های حاشیه‌ای^{۲۴} همراه آن فرایند بازنمایی می‌کند (Matthiessen, 2004: 580; 2015:1). گفتنی است که ترکیب «فرایند+مشارک (ها)» هسته تجربی^{۲۵} بند را تشکیل می‌دهد و افزوده‌های حاشیه‌ای هم که خارج از هسته تجربی بند قرار دارند و خلاف مشارک‌ها، دخالت مستقیمی در فرایند ندارند، به نوعی بر هسته تجربی بند می‌افزایند (Halliday & Matthiessen, 2014: 221). نکته مهم دیگر آن است که سه عنصر فرایند، مشارک، و افزوده حاشیه‌ای به ترتیب مبنای سه زیرنظام «نوع فرایند»^{۲۶}، «عاملیت»^{۲۷} و «حاشیه‌افزودگی»^{۲۸} را که در واقع، زیرنظام‌های نظام بنیادی گذرایی هستند، تشکیل می‌دهند. گفتنی است که این سه زیرنظام جنبه‌های مختلف کوانتوم تغییر را بازنمایی می‌کنند (Matthiessen, 2015: 2). پژوهش حاضر از میان سه زیرنظام یادشده در بالا بر دو زیرنظام نوع فرایند و عاملیت که ناظر بر هسته تجربی بند هستند، متمرکز است. از این رو، در ادامه کلیاتی درباره دو زیرنظام نوع فرایند و عاملیت ذکر می‌شود.

دستور گذرایی یک زبان تجربه انواع تغییر را در تعداد محدودی از انواع فرایند دسته‌بندی می‌کند و هر یک از انواع فرایندها انگاره یا طرح‌واره خاص خود را برای بازنمایی حیطه‌ای از تجربه به مثابه صحنه‌ای^{۲۹} خاص دارا هستند (Halliday & Matthiessen, 2014: 213). گفتنی است که هر «صحنه» از یک فرایند، تعدادی مشارک دخیل در آن فرایند، و تعدادی افزوده حاشیه‌ای همراه با آن فرایند تشکیل می‌یابد (ibid: 220). در ارتباط با انواع فرایند، متیسن (2004: 581) اظهار داشته است که تجربه انسان از «تغییر» در هیئت تمایز بین تجربه «ذی-شعوری»^{۳۰} و تجربه «تغییر بیرونی» نمود می‌یابد. تجربه ذی‌شعوری در زبان‌ها در هیئت فرایندهای «حس کردن»^{۳۱} تبلور می‌یابد؛ اما تجربه تغییرات بیرونی یا در هیئت فرایندهای «انجام دادن و انجام یافتن»^{۳۲} (یا به اختصار، «انجام دادن») یا در هیئت فرایندهای «بودن»^{۳۳} (و

«داشتن»^{۳۴} به‌مثابه نوعی «بودن» تجلی می‌یابد. از این رو، سه نوع فرایند اصلی وجود دارد که بین زبان‌ها مشترک هستند: حس‌کردن، انجام دادن، و بودن. گفتنی است که این سه نوع فرایند به ترتیب در سه نوع بند ذهنی^{۳۵}، مادی، و رابطه‌ای^{۳۶} دستوری می‌شوند. نکته دیگر آنکه به گفته متیسن (ibid: 600)، انواع سه‌گانه فرایندهای اصلی، یعنی فرایندهای مادی، ذهنی و رابطه-ای، نمونه‌های اعلی و همانند تمامی مقولات زبان دارای مرزهای نامشخصی هستند و بر روی یکدیگر سایه می‌اندازند. در واقع، در کنار فرایندهای اصلی سه‌گانه یادشده، فرایندهای دیگری وجود دارد که بین زبان‌ها متنوع هستند که عبارت‌اند از: رفتاری^{۳۷}، بیانی^{۳۸}، و وجودی^{۳۹}.

آنچه در پاراگراف پیش ذکر شد کلیاتی درباره زیرنظام نوع فرایند بود. در چارچوب زیرنظام نوع فرایند، هر یک از انواع فرایندها انگاره خاص خود را برای بازنمایی شیوه دخالت مشارک(ها) در نمود فرایند دارا هستند. با وجود این، این امکان نیز وجود دارد که نظام گذرایی یک زبان و مشخصاً زیرنظام عاملیت انگاره‌ای عمومی از شیوه دخالت مشارک(ها) در نمود فرایند و به بیانی کلی‌تر تعامل فرایند - مشارک را که در بین تمام انواع فرایندها عمومیت دارد، صورت‌بندی کند. در خصوص تعامل دو عنصر فرایند و مشارک، دو انگاره را می‌توان از هم بازشناخت: انگاره گذرایی^{۴۰} و انگاره کنایی^{۴۱}. بر اساس انگاره گذرایی، یک مشارک بر نمود فرایند نظارت می‌کند. چنین بندی ناگذرا^{۴۲} خوانده می‌شود. نمود فرایند ممکن است فراتر از مشارک ناظر^{۴۳} بسط یابد و مشارک دیگری به نام متأثر^{۴۴} را تحت تأثیر قرار دهد. چنین بندی هم گذرا^{۴۵} نامیده می‌شود. بر این اساس، با توجه به انگاره گذرایی، دو نوع بند ناگذرا (ناظر+فرایند) و گذرا (ناظر+فرایند+متأثر) در تقابل نظام‌مند با یکدیگر قرار می‌گیرند و تمایز این دو نوع بند مبتنی بر متغیر «بسط»^{۴۶} است. ذکر این نکته هم ضروری است که در چارچوب انگاره گذرایی، هر فرایند مشارک‌های منحصر به فرد خود را دارد. به بیانی دیگر، نقش مشارک‌ها از فرایندی به فرایند دیگر متفاوت است. با توجه به انگاره کنایی تعامل فرایند-مشارک هم، فرایند از طریق مشارکی به نام وسیله^{۴۷} نمود می‌یابد. این مشارک در واقع، «وسیله» تحقق یافتن فرایند است. تحقق فرایند از طریق مشارک وسیله ممکن است مشارک دیگری به نام عامل^{۴۸} سبب شود. با توجه به انگاره کنایی، دو نوع بند میانی^{۴۹} (وسیله+فرایند) و عاملی^{۵۰} (عامل+وسیله+فرایند) در تقابل نظام‌مند با یکدیگر هستند و تمایز این دو نوع بند مبتنی بر متغیر «سبب»^{۵۱} است. نکته مهم دیگر در خصوص انگاره کنایی آن است که در این انگاره خلاف

انگاره گذرایی، مشارکها در تمامی انواع فرایندها نقش‌های ثابتی دارند و از این رو، نقش مشارکها از فرایندی به فرایند دیگر متفاوت نیست. نکته پایانی در ارتباط با دو انگاره گذرایی و کنایی آن است که این دو انگاره مکمل یکدیگر هستند و هر بند را می‌توان از دو منظر گذرایی و کنایی تحلیل کرد (Matthiessen, 2004: 602-604, 607).

همان‌طور که پیش‌تر نیز گفته شد، پژوهش حاضر از میان انواع بندها در چارچوب زیرنظام نوع فرایند تنها بندهای مادی را در کانون توجه قرار داده است. ذکر این نکته هم ضروری است که در این پژوهش، بندهای مادی تنها از منظر انگاره گذرایی در چارچوب زیرنظام عاملیت بررسی خواهند شد. شایسته است گفته شود که اعمال این محدودیت در گستره موضوع پژوهش حاضر به منظور فراهم کردن امکان تدقیق بیشتر در انجام این پژوهش صورت گرفته است. بدین ترتیب، در ادامه به بررسی رده‌شناختی بندهای مادی در زبان فارسی می‌پردازیم.

۲-۲. بندهای مادی در زبان فارسی

۲-۲-۱. پیشینه پژوهش

در این بخش، تعدادی از مطالعات انجام‌یافته در ارتباط با بندهای مادی در زبان فارسی معرفی می‌شود. پهلوان‌نژاد (۱۳۸۳) در رساله دکتری خود به هنگام توصیف دستور تجربی و مشخصاً دسته‌بندی انواع فرایند در زبان فارسی، به توصیف فرایند مادی و مشارک‌های دخیل در نمود آن فرایند از جمله کنشگر^۲، مقصد^۳، و دریافت‌کننده^۴ یا گیرنده^۵ پرداخته است. وی همچنین، فرایندهای مادی در زبان فارسی را به دو دسته، یعنی کنشی^۶ و خلاق^۷، تقسیم‌بندی کرده است.

پهلوان‌نژاد و نجفی (۱۳۸۷) در حوزه «زبان‌آموزی کودک» از منظر دستور نقش‌گرایی نظام‌مند، به بررسی انواع فرایندهای به‌کار رفته در کتاب *بخوانیم* اول تا پنجم دبستان پرداخته‌اند. هدف اصلی این پژوهش مطالعه چگونگی آشنا کردن کودک با نقش تجربی زبان در پیکره زبانی یادشده بوده است. نتایج این مطالعه در خصوص فرایندهای مادی نشان می‌دهد که در هر پنج پایه یادشده، از میان انواع فرایندهای به‌کار رفته فرایند «مادی» بیشترین درصد فراوانی نسبی، یعنی ۴۱ درصد، را به خود اختصاص داده است. با این حال، میزان درصد فراوانی نسبی این فرایند خلاف انتظار در سال اول دبستان، از سال‌های دوم و سوم کمتر است. این نتیجه

نشان می‌دهد که توزیع فرایند مادی با رشد مرحله‌ای کودک متناسب نیست. پهلوان‌نژاد و نجفی (۱۳۸۷: ۷۱-۷۲) در پایان چنین نتیجه‌گیری کرده‌اند که هنگام تدوین کتاب‌های **بخوانیم** مقطع دبستان، نقش تجربی زبان به‌عنوان مرحله‌نهایی تکامل فرایند زبان‌آموزی کودک، مورد توجه خاص مؤلفان نبوده است و فرایندهای [زبانی به‌عنوان ابزاری برای زبانی‌کردن تجربه‌های آدمی، به شیوه‌های هدفمند به کودک معرفی نشده‌اند.

بهمین (2009) در توصیف دستور گذرایی زبان فارسی از منظر رده‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند، انواع فرایند و مشارک‌های منحصربه‌فرد آن‌ها را شناسایی و معرفی کرده است. وی با تحلیل انواع مختلف بند و نظام گذرایی در زبان فارسی، فرایند «مادی» را در کنار سایر فرایندها در زبان فارسی شناسایی و آن را به همراه مشارک‌های خاصش تشریح کرده است. آقاگل‌زاده و همکاران (۱۳۹۰) در تجزیه و تحلیل چهار داستان کوتاه از صادق هدایت و جلال آل احمد بر اساس نظام گذرایی چنین یافته‌اند که آل احمد در مقایسه با هدایت در داستان‌های خود از فرایندهای مادی بیشتری استفاده کرده است که این امر نشان از دید واقع-گرایانه آل احمد به جهان دارد. در واقع، آل احمد برای انگاره‌سازی جهان بیرون در داستان-هایش با استفاده از نظام گذرایی، استفاده بیشتری از فرایندهای مادی کرده است.

منشی‌زاده و الهیان (۱۳۹۴) در حوزه سبک‌شناسی در چارچوب دستور نقش‌گرای نظام‌مند، انواع و بسامد رخداد فرایندهای به‌کار رفته در هفت باب آغازی **گلستان** سعدی را بررسی کرده‌اند. این مطالعه با هدف شناساندن دنیای ذهن نویسنده **گلستان** و درنهایت، سبک او انجام یافته است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که با توجه به موضوع کتاب **گلستان**، از میان فرایندهای استفاده‌شده در هفت باب آغازی **گلستان**، فرایند مادی به همراه فرایند وجودی کمترین بسامد رخداد را به خود اختصاص داده است.

مطالعات بالا و سایر مطالعات بررسی‌شده توسط نگارنده این سطور نشان می‌دهند که تاکنون هیچ پژوهشی در زمینه رفتارهای رده‌شناختی بندهای مادی در زبان فارسی بر مبنای تعمیم‌های رده‌شناختی متیسن (2004) صورت نگرفته است. از این رو، همان‌طور که پیش‌تر نیز ذکر شد، پژوهش حاضر می‌کوشد بر اساس تعمیم‌های یادشده به مطالعه رده‌شناختی بندهای مادی در زبان فارسی بپردازد.

۲-۲-۲. رده‌شناسی بندهای مادی در زبان فارسی

در این بخش، تلاش می‌شود به این پرسش اساسی پاسخ داده شود که بندهای مادی زبان فارسی در چارچوب رویکرد رده‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند و مشخصاً تعمیم‌های پیشنهادی متیسن (2004) درخصوص آن بندها چه رفتارهای رده‌شناختی‌ای از خود نشان می‌دهند. متیسن (2004: 587-590) حیطه‌های زیر را به‌عنوان مؤلفه‌های رده‌شناختی بندهای مادی شناسایی و معرفی کرده است:

(الف) تعداد مشارک‌های دخیل در تجلی فرایند مادی: در یک بند مادی، ممکن است به تعداد سه مشارک، یعنی کنشگر، مقصد، و دریافت‌کننده/ یادگیرنده، در تبلور فرایند دخالت داشته باشند؛ اما باید توجه داشت که تعداد مشارک‌های مادی به لحاظ رده‌شناسی متغیر است. در تجلی فرایند مادی در زبان فارسی، همانند زبان انگلیسی (Halliday & Matthiessen, 2014: 311)، علاوه بر مشارک‌های یادشده در بالا، مشارک‌های دیگری نیز می‌توانند شرکت داشته باشند. این مشارک‌ها عبارت‌اند از: وادارنده^۸، دامنه^۹، و شاخص^{۱۰}. نمونه‌های زیر شواهدی بر این مدعا هستند:

(۱) خانم فاطمه یک قند دیگر به او داد (دانشور، ۱۳۴۹: ۲۱).

کنشگر مقصد دریافت‌کننده فرایند

(۲) او همیشه غذاهای خوشمزه به بچه‌اش می‌خورد.^{۱۱}

وادارنده مقصد کنشگر فرایند

(۳) زن و مرد برای خانم مسیحادم در مجلس روضه‌خانه مهری قرآن به سر گذاشته‌اند

کنشگر گیرنده فرایند

(همان: ۱۴۷).

(۴) [او] تمام طول خیابان را می‌دوید (گلشیری، ۱۳۶۸: ۷۳).

کنشگر دامنه فرایند

(۵) مردم این شهر شاعر متولد می‌شوند (دانشور، ۱۳۴۹: ۱۸).
کنشگر شاخص فرایند

(۶) فخری باید ظرف‌ها را پاک بشوید (گلشیری، ۱۳۶۸: ۲۸).
کنشگر مقصد شاخص فرایند

(ب) شیوه افزودن مشارک مادی: از میان تمامی انواع مشارک‌های دخیل در تحقق فرایند مادی، تنها مشارک کنشگر است که الزاماً در هر بند مادی حضور دارد؛ زیرا آن مشارک ذاتی بندهای مادی است.^{۶۲} گفتنی است که مشارک مقصد نیز یک مشارک ذاتی در بندهای مادی گذراست (Halliday & Matthiessen, 2014: 236). همان‌طور که در مؤلفه الف آمده است، علاوه بر دو مشارک ذاتی کنشگر و مقصد، مشارک‌های دیگری نیز ممکن است در تجلی فرایند مادی شرکت داشته باشند. نکته گفتنی آن است که زبان‌ها برای افزودن مشارک‌های غیرذاتی به یک بند مادی، از راهکارهای متفاوتی استفاده می‌کنند. برای نمونه، در زبان آکان^{۶۳} (متعلق به خانواده زبان‌های نیجر-کنگو^{۶۴})، مشارک دریافت‌کننده از طریق ساختاری به نام «ساختار زنجیره فعلی»^{۶۵} به یک بند مادی افزوده می‌شود که در آن صورت، فرایند در هیئت یک زنجیره فعلی منقطع نمود می‌یابد (Matthiessen, 2004: 588). در زیر، شیوه اضافه شدن مشارک‌های دریافت‌کننده، گیرنده، وادارنده، دامنه، و شاخص به یک بند مادی در زبان فارسی را می‌بینیم.

هر دو مشارک دریافت‌کننده و گیرنده می‌توانند به همراه یک پیش‌اضافه در جایگاه پیش یا پس از مشارک مقصد ظاهر شوند.^{۶۶} همان‌طور که دو نمونه ۱ و ۳ در بالا و نیز نمونه‌های زیر نشان می‌دهند، مشارک دریافت‌کننده به همراه پیش‌اضافه «به» و مشارک گیرنده به همراه پیش‌اضافه «برای» نمود می‌یابد.

(۷) بچه گوشت را به گربه داد.
کنشگر مقصد دریافت‌کننده فرایند

(۸) لطفاً [تو]^{۶۷} به این گیاهان آب تمیز بده!
کنشگر دریافت‌کننده مقصد فرایند

(۹) من دادم [آن‌ها] یک صندلی چرخدار برایش درست کردند (گلشیری، ۱۳۶۸: ۱۷).

کنشگر مقصد گیرنده فرایند

(۱۰) [او] روی پشت خانه‌اش برای سی صد کفتر لانه درست کرده (دانشور، ۱۳۴۹: ۱۶۵).

کنشگر گیرنده مقصد فرایند

بند ۲ در بالا و نیز بندهای ۱۱ تا ۱۳ در ادامه نشان می‌دهند که در زبان فارسی، مشارک «وادرنده» از رهگذر فرایند «سببی‌سازی»^{۳۸} است که در تبلور فرایند مادی دخالت می‌کند. شایسته یادآوری است که بندهای یادشده در بالا نمونه‌هایی از «ساخت‌های وادارندگی» هستند که در آن‌ها، مدخل‌های سبب و مسبب به‌ترتیب دارای نقش وادرنده و کنشگر هستند.

(۱۱) نسرین علی را دواند/دوانید (دبیرمقدم، ۱۳۸۴: ۵۵).

وادارنده کنشگر فرایند

(۱۲) نسرین لباس را به علی پوشاند/پوشانید (همان‌جا).

وادارنده مقصد کنشگر فرایند

(۱۳) نسرین تمام گل‌های توی باغچه را خشکاند/خشکانید (همان: ۵۸).

وادارنده کنشگر فرایند

مشارک «دامنه» به‌عنوان یکی دیگر از مشارک‌های مادی در ساختی مجزا از ساخت «کنشگر+مقصد»، یعنی ساخت «کنشگر+دامنه»، بازنمایی می‌یابد. در چنین حالتی، مشارک دامنه جایگزین مشارک مقصد می‌شود. در هر یک از دو نمونه ۴ در بالا و ۱۴ در زیر، مشارک دامنه در جایگاه مشارک مقصد قرار گرفته است و به همراه مشارک کنشگر ساخت مجزایی را تشکیل داده‌اند.

(۱۴) نعمت قانون می‌زد (دانشور، ۱۳۴۹: ۱۰).

کنشگر دامنه فرایند

گفتنی است که مدخل «قانون» در بند ۱۴ همانند مدخل «قرآن» در بند ۳ در بالا با از دست دادن پس‌اضافه خود، یعنی «را»، به فرایند «می‌زد» منضم شده است و به همراه «می‌زد» یک فرایند مرکب ناگذرا تشکیل داده‌اند (برای آگاهی بیشتر درخصوص «انضمام»^{۶۹} مفعول صریح» در زبان فارسی رک: دبیرمقدم، ۱۳۸۴: ۱۷۴-۱۷۸). گفتنی است که در صورت وجود پس‌اضافه «را» پس از دو مدخل «قانون» و «قرآن» در دو نمونه ۱۴ و ۳، هر دو نمونه یادشده به بندهای مادی گذرا تبدیل می‌شوند و در آن صورت، مدخل‌های یادشده هم درواقع، نقش مقصد را به-عهده می‌گیرند.

آخرین مشارک دخیل در تجلی فرایند مادی مشارک شاخص است. این مشارک در زبان فارسی در هیئت یک گروه اسمی (نمونه ۱۵) یا یک صفت (نمونه ۱۶) به بند مادی ساده اضافه می‌شود و تغییری در هیئت آن بند ایجاد نمی‌کند.

(۱۵) مردم این شهر شاعر متولد می‌شوند (تکرار نمونه ۵).

کنشگر شاخص فرایند

(۱۶) فخری باید ظرف‌ها را پاک بشوید (تکرار نمونه ۶)

کنشگر مقصد شاخص فرایند

(ج) ماهیت مشارک کنشگر: کنشگر نوعاً یک موجود زنده یا دست‌کم یک مدخل نیرومند (مشمول بر نیروهای طبیعی) است. با این حال، گستره مشارک کنشگر در برخی از زبان‌ها وسیع و در تعداد دیگری از زبان‌ها محدود است. برای مثال، در زبان انگلیسی، طیف گسترده‌ای از مدخل‌ها - از جمله مدخل‌های نیرومند، مدخل‌های عینی^{۷۰}، و حتی انتزاعات^{۷۱}، و مدخل‌های استعاری^{۷۲} - می‌توانند به‌عنوان مشارک کنشگر نقش‌آفرینی کنند. درمقابل، بسیاری از زبان‌ها از جمله آلمانی، ژاپنی، و پیچان‌چاچارا، به‌نظر می‌رسد با یک کنشگر محدودتری عمل می‌کنند. برای مثال، در زبان ژاپنی، نیروهای طبیعی مثل زلزله نمی‌توانند به‌عنوان مشارک کنشگر عمل کنند.

در زبان فارسی، همانند زبان انگلیسی و خلاف زبان‌هایی مثل آلمانی و ژاپنی، انواع مدخل‌ها

- از موجودات زنده گرفته تا مدخل‌های انتزاعی - می‌توانند به‌عنوان مشارک کنشگر عمل کنند. برای نمونه، در دو بند ۱۷ و ۱۸ در زیر، مشارک‌های «تابستان» و «آب و تاب جوانیت» که به-ترتیب مدخل‌هایی [-ذی‌شعور، +ذی‌اراده] و [-ذی‌شعور، -ذی‌اراده] هستند، کنشگرند. بر این اساس، گستره مشارک کنشگر در زبان فارسی بسیار وسیع است.

(۱۷) همیشه تابستان همین‌طور عجله می‌کرد (دانشور، ۱۳۴۹: ۵۶).

کنشگر فرایند

(۱۸) نمی‌خواهم آب و تاب جوانیت بخشکد (همان: ۶۹).

کنشگر فرایند

(د) حالت‌نمایی^{۷۳}. یکی دیگر از تعمیم‌های رده‌شناختی متبیین حالت‌نمایی مشارک‌های مادی است و آن تعمیم اینکه در «زبان‌های وابسته‌نما»^{۷۴}، حالت‌نمایی مشارک‌های مادی به نظر می‌رسد نسبتاً صریح است. به عنوان نمونه، در بندهای [مادی] عامل‌دار^{۷۵} (یا معلوم) در زبان آلمانی، کنشگر با یک گروه اسمی در حالت فاعلی^{۷۶}، مقصد با یک گروه اسمی در حالت مفعولی^{۷۷}، و دریافت‌کننده با یک گروه اسمی در حالت متممی^{۷۸} نمود می‌یابند. از آن‌جا که در زبان فارسی، حروف اضافه می‌توانند با وقوع در مجاورت مشارک‌های یک بند - که عناصری وابسته هستند - بیانگر رابطه بین آن مشارک‌ها و فرایند آن بند باشند، زبان فارسی را می‌توان زبانی وابسته‌نما نیز دانست. در نمونه‌های زیر، حروف اضافه نقش مشارک-های دخیل در بازنمایی فرایند را به‌وضوح نشان می‌دهند.

(۱۹) بچه گوشت را به گربه داد (تکرار نمونه ۷)

کنشگر مقصد دریافت‌کننده فرایند

(۲۰) فخری باید طرف‌ها را پاک بشوید (تکرار نمونه ۶).

کنشگر مقصد شاخص فرایند

(۲۱) خانم فاطمه یک قند دیگر به او داد (تکرار نمونه ۱).

کنشگر مقصد دریافت‌کننده فرایند

(۲۲) من دادم [آن‌ها] یک صندلی چرخدار برایش درست کردند (تکرار نمونه ۹).

کنشگر مقصد گیرنده فرایند

مثال‌های بالا نشان می‌دهند که مشارک مقصد چنانچه مدخلی معرفه باشد به همراه پس-اضافه «را» ظاهر می‌شود. مشارک دریافت‌کننده به همراه پیش‌اضافه «به» وقوع می‌یابد و مشارک گیرنده هم پس از حرف اضافه «برای» می‌آید. در تمام نمونه‌های بالا می‌بینیم که مشارک کنشگر بدون نشانه است؛ اما در نمونه‌های زیر که به ترتیب تکرار بندهای ۱۱ تا ۱۳ هستند، مشارک کنشگر به همراه حرف اضافه ظاهر شده است.

(۲۳) نسرین علی را دواند/دوانید.

وادارنده کنشگر فرایند

(۲۴) نسرین لباس را به علی پوشاند/پوشانید.

وادارنده مقصد کنشگر فرایند

(۲۵) نسرین تمام گل‌های توی باغچه را خشکاند/خشکانید.

وادارنده کنشگر فرایند

بندهای بالا که جملگی بندهای وادارندگی هستند نشان می‌دهند که مشارک کنشگر در بندهای وادارندگی فاقد مشارک مقصد به همراه پس‌اضافه «را» ظاهر می‌شود؛ اما در صورت وجود مشارک مقصد در بند به همراه پیش‌اضافه «به» وقوع می‌یابد.

به این ترتیب، می‌توان مدعی شد که در زبان فارسی نیز همانند زبان آلمانی، حالت‌نمایی مشارک‌های مادی به نظر نسبتاً صریح است. به بیانی روشن‌تر، در زبان فارسی، مشارک کنشگر در بندهای مادی غیروادارندگی دارای حالت فاعلی (بدون نشانه)، در بندهای وادارندگی

فاقد مشارک مقصد دارای حالت مفعولی (با نشانه «را») و در بندهای وادارندگی دارای مشارک مقصد برخوردار از حالت متممی (با نشانه «به») است. مشارک مقصد چنانچه مدخلی معرفه باشد به همراه پس‌اضافه «را» حالت مفعولی دارد. هر دو مشارک دریافت‌کننده و گیرنده هم به ترتیب به همراه دو پیش‌اضافه «به» و «برای» برخوردار از حالت متممی هستند.

(و) شیوه بازنمایی انتقال و سلب مالکیت. در حالی که بسیاری از زبان‌ها - و شاید تمامی آن‌ها - دارای یک فرایند مادی مجزایی برای بازنمایی «دادن/واگذار کردن» به‌مثابه نوعی «انتقال مالکیت»^{۷۹} هستند، آن‌ها به لحاظ چگونگی بازنمایی «سلب مالکیت» رفتارهای متفاوتی دارند. در ارتباط با شیوه بازنمایی «سلب مالکیت»، دست‌کم دو الگو وجود دارد (Matthiessen, 2004: 590):

(۱) سلب مالکیت به روشی مشابه با دادن/واگذار کردن بازنمایی می‌یابد که در این حالت، هر دو نوعی انتقال مالکیت قلمداد می‌شوند.

(۲) سلب مالکیت به شکل «جابه‌جایی در فضا»^{۸۰} همانند «take» «گرفتن» در انگلیسی، بازنمایی می‌یابد.

دو نمونه ۲۶ و ۲۷ که به ترتیب تکرار نمونه‌های ۱ و ۷ هستند نشان می‌دهند که انتقال مالکیت در زبان فارسی بدین شکل صورت می‌گیرد که کسی با میل خود مالکیت چیزی را به فرد دیگری واگذار می‌کند.

(۲۶) خانم فاطمه یک قند دیگر به او داد.

(۲۷) بچه گوشت را به گربه داد.

شواهدی از قبیل ۲۸ و ۲۹ هم نشان می‌دهند که سلب مالکیت در زبان فارسی بدین شکل صورت می‌گیرد که فردی چیزی را از مالکیت صاحب اصلی آن خارج می‌کند و خود مالک آن می‌شود.

(۲۸) که از یک دست از دولت کوپن قند و شکر و قماش می‌گیرد و ... (دانشور، ۱۳۴۹:

۲۲).

(۲۹) طبق‌کش اولی گفت: «اگر این کار را نکنیم، نان‌ها را ازمان می‌قاپند. ...» (همان: ۳۲).

بر اساس شواهدی از جمله نمونه‌های ۲۶ تا ۲۹ در بالا و با توجه به مؤلفه رده‌شناختی «شیوه بازنمایی انتقال و سلب مالکیت»، می‌توان مدعی شد که زبان فارسی همانند زبان انگلیسی «انتقال مالکیت» را به‌صورتی متفاوت از «سلب مالکیت» بازنمایی می‌کند.

۳. نتیجه

در بخش اول این مقاله، کلیاتی درباره رده‌شناسی تعمیم‌گرا/ جزءگرا و پژوهش متیسن (2004) در آن چارچوب و مشخصاً از منظر دستور نقش‌گرای نظام‌مند ذکر شد. در بخش دوم، ابتدا نظام گذرایی به‌عنوان نظام بنیادی فرانقش تجربی و مشخصاً دو زیرنظام نوع فرایند و عاملیت ذیل نظام گذرایی تشریح شد. در ادامه، از میان انواع شش‌گانه بندهای زبان فارسی در چارچوب زیرنظام نوع فرایند، بندهای مادی مورد بررسی قرار گرفت. بدین منظور، ابتدا تعدادی از مطالعات انجام‌یافته درباره بندهای مادی در زبان فارسی معرفی و نشان داده شد که در هیچ یک از این مطالعات و سایر مطالعات صورت‌گرفته در این زمینه، بندهای مادی از منظر رده‌شناسی و مشخصاً تعمیم‌های رده‌شناختی متیسن (2004) مطالعه نشده‌اند. به دنبال معرفی مطالعات یادشده در بالا، تلاش شد به این پرسش اساسی پاسخ داده شود که بندهای مادی زبان فارسی با توجه به تعمیم‌های پیشنهادی متیسن (*ibid*) درخصوص آن بندها چه رفتارهای رده‌شناختی‌ای از خود نشان می‌دهند. برای این منظور، به دنبال طرح هر یک از تعمیم‌های رده‌شناختی بندهای مادی، با استناد به نمونه‌هایی برگرفته از اسناد مکتوب متعدد، وضعیت زبان فارسی درخصوص هر یک از آن تعمیم‌ها سنجیده و توصیف شد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که (۱) در بندهای مادی زبان فارسی همانند بندهای مادی زبان انگلیسی، در کنار دو مشارک ذاتی کنشگر و مقصد، مشارک‌های دیگری، یعنی دریافت‌کننده/ گیرنده، وادارنده، دامنه، و شاخص، نیز در نمود فرایند دخیل هستند، (۲) در زبان فارسی همانند زبان انگلیسی و خلاف زبان‌هایی مثل آلمانی و ژاپنی، گستره مشارک ذاتی بسیار وسیع است، (۳) در زبان فارسی هر یک از مشارک‌های غیرذاتی یادشده در بالا به طریقی به بند مادی اضافه می‌شوند. برای مثال، مشارک وادارنده از طریق فرایند سببی‌سازی به یک بند مادی افزوده می‌شود، (۴) در زبان فارسی همانند زبان آلمانی، حالت‌نمایی مشارک‌های مادی به نظر نسبتاً صریح است، و (۵) در زبان فارسی همانند زبان انگلیسی، انتقال مالکیت به‌صورتی متفاوت از سلب مالکیت بازنمایی

می‌یابد. این نتایج نشان می‌دهند که تعمیم‌های پیشنهادی متیسن (*ibid*) درخصوص بندهای مادی رامی‌توان در توصیف بندهای یادشده در زبان فارسی به کار گرفت.

۴. پی‌نوشت‌ها

1. generalizing/ partial typology
2. language /linguistic universals
3. generalizations
4. Greenberg
5. Hawkins
6. word order
7. Systemic Functional Grammar

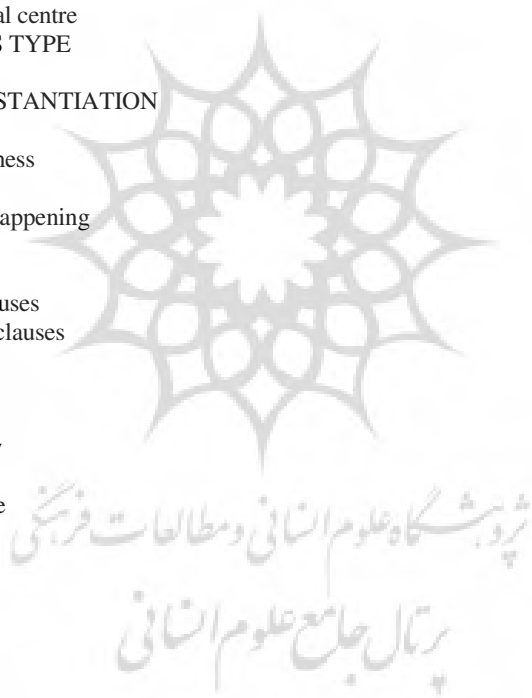
دستور نقش‌گرای نظام‌مند در کنار مسائل زبانی بسیار متنوعی از جمله رشد زبان در کودک، زبان-شناسی آموزشی (*educational linguistics*)، زبان‌شناسی رایانشی (*computational linguistics*)، و زبان‌شناسی بالینی (*clinical linguistics*) به شاخه مطالعاتی رده‌شناسی زبان (*language typology*) نیز توجه دارد (Caffarel et al., 2004: 2, 5). به گفته کافارل و همکاران (*ibid*: 5)، مطالعه رده‌شناسی زبان از منظر زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند که رده‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند (*systemic functional typology*) یا به اختصار رده‌شناسی نظام‌مند (*systemic typology*) نامیده می‌شود از همان آغاز شکل‌گیری نظریه یادشده مطرح بوده است و ریشه در زبان‌شناسی فرثی (*Firthian linguistics*) دارد و با علاقه مکتب پراگ (*Prague school*) به ماهیت‌شناسی (*characterology*) زبان‌ها در ارتباط است. شایان ذکر است که در رده‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند که بر مبنای رده‌شناسی تعمیم‌گرا/ جزءگرا استوار است. زبان‌شناسان به دنبال دستیابی به تعمیم‌های تجربی‌ای (*empirical generalizations*) هستند که در اصل بتوان آن‌ها را به تمام زبان‌های جهان اعمال کرد. گفتنی است که تعمیم‌های تجربی تعمیم‌هایی هستند که مبتنی بر نمونه‌های زیادی از توصیفات زبانی هستند (Teruya & Matthiessen, 2013: 16). ذکر این نکته نیز ضروری است که رده‌شناسی نظام‌مند، خلاف رویکردهای پیشین رده‌شناسی تعمیم-گرا/ جزءگرا، نظام‌ها و نه ساخت زبان‌ها را بررسی می‌کند.

8. Matthiessen
9. ideational
10. logical
11. interpersonal
12. textual
13. clause grammar

۱۴. زبان‌هایی از جمله انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، سوئدی، دانمارکی، عربی، ژاپنی، تاگالوگ (*Tagalog*).

چینی، ویتنامی، تلگو (Telugu)، و پیچان‌چاچارا (Pitjantjatjara).

15. typological generalizations
16. divergences
17. convergences
18. descriptive generalizations
19. material
20. TRANSITIVITY
21. experiential metafunction
22. process
23. participant
24. circumstantial adjuncts
25. experiential centre
26. PROCESS TYPE
27. AGENCY
28. CIRCUMSTANTIATION
29. figure
30. consciousness
31. sensing
32. doing-&-happening
33. being
34. having
35. mental clauses
36. relational clauses
37. behavioral
38. verbal
39. existential
40. transitivity
41. ergativity
42. intransitive
43. Controller
44. Impacted
45. transitive
46. extension
47. Medium
48. Agent
49. middle
50. effective
51. causation
52. Actor
53. Goal



- 54. Recipient
- 55. Client
- 56. transformative
- 57. creative
- 58. Initiator
- 59. Scope
- 60. Attribute

۶۱. در نمونه‌هایی نظیر بند ۲ که در چارچوب دستور نقش‌گرای نظام‌مند «ساخت‌های ادارندگی» (initiating structures) نامیده می‌شوند (Halliday & Matthiessen, 2014: 352) مدخل‌های سبب و مسبب به ترتیب دارای نقش وادارنده و کنشگر هستند.

۶۲. البته باید توجه داشت که در زبان فارسی، مشارک کنشگر ممکن است به اختیار حذف شود (رک. نمونه‌های الف و ب) و یا در هیئت یک افزوده حاشیه‌ای نمود یابد (رک. نمونه ج).

(الف) یک سد نمناک بدون روزنه به سنگینی سرب جلو من و او کشیده شد (هدایت، ۱۳۸۳: ۱۰).

(ب) قفس محکمی برای حیوانات وحشی ساخته می‌شود.

(ج) گویا حرکات، افکار، آرزوها و عادات مردمان پیشین که به توسط این ملت‌ها به نسل‌های بعد

کنشگر

انتقال داده شده [است]؛ یکی از واجبات زندگی بوده است (همان: ۴۹).

همچنین، به این دلیل که زبان فارسی زبانی ضمیرانداز است، اگر مشارک کنشگر ضمیر فاعلی غیرمؤکد باشد، به صورت پربسامد و بی‌نشان حذف می‌شود؛ زیرا از طریق شناسه فعل قابل شناسایی است. نمونه زیر و نیز بندهای ۴، ۹، و ۱۰ شواهدی بر این مدعا هستند:

(د) [آن‌ها] چند تا خانه گلی در جاهایی که آب نداشت ساختند (دانشور، ۱۳۴۹: ۴۷).

کنشگر محذوف

- 63. Akan
- 64. Niger-Congo
- 65. serial-verb construction

۶۶. برای آگاهی از ترتیب وقوع مشارک‌های مقصد و دریافت‌کننده/گیرنده در بندهای دومتیمی زبان فارسی رک: راسخ‌مهند، ۱۳۸۳. نکته‌ای که ذکر آن ضروری است آن است که همان‌طور که نمونه ۳ نشان می‌دهد، مشارک گیرنده خلاف مشارک دریافت‌کننده ممکن است در بندهای ناگذرا هم وقوع یابد.

۶۷. رخداد مدخل «تو» در نقش کنشگر در بندهای امری زبان فارسی نشان‌دار است.

- 68. causativization
- 69. incorporation
- 70. concrete
- 71. abstractions
- 72. metaphorical

منظور از مدخل‌های استعاری در دستور نقش‌گرای نظام‌مند مدخل‌هایی هستند که وضعیت دستوری آن‌ها تغییر یافته است. برای مثال، مشارک «preparation» در بند «preparation started» گونه استعاری فرایند «prepare» است.

- 73. case marking
- 74. dependent-marking languages

در این دسته از زبان‌ها، نقش مشارک‌های یک بند در بازنمایی فرایند آن بند از طریق عناصر حالت‌نما نظیر حروف اضافه و وندهای تصریف حالت که به مشارک‌ها می‌پیوندند، نشان داده می‌شود (رضایی و بهرامی، ۱۳۹۴: ۹۷-۹۹).

- 75. operative
- 76. nominative
- 77. accusative
- 78. dative
- 79. transfer of possession
- 80. dispossession
- 81. movement in space

۵. منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس و همکاران (۱۳۹۰). «سبک‌شناسی داستان بر اساس فعل: رویکرد نقش-گرا». *سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)*. ش. ۱. صص ۲۴۳-۲۵۴.
- پهلوان‌نژاد، محمدرضا (۱۳۸۳). *توصیف و تحلیل ساختمان بند در زبان فارسی بر پایه نظریه دستور نظام‌مند هلییدی*. رساله دکتری زبان‌شناسی همگانی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- پهلوان‌نژاد، محمدرضا و آزاده نجفی (۱۳۸۷). «اهمیت نقش ارتباطی زبان در جهت تکامل فرایند زبان‌آموزی در کودکان دبستانی». *نوآوری‌های آموزشی*. ش ۷. صص ۴۷-۷۴.
- دانشور، سیمین (۱۳۴۹). *سووشون*. تهران: خوارزمی.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۸۴). *پژوهش‌های زبان‌شناختی فارسی (مجموعه مقالات)*. تهران:

مرکز نشر دانشگاهی.

- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۲). *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی*. ج ۱. چ ۱. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- راسخ مهند، محمد (۱۳۸۳). «جایگاه مفعول مستقیم در فارسی». *نامه فرهنگستان*. ش ۲۴. صص ۵۶-۶۶.
- رضایی، والی و فاطمه بهرامی (۱۳۹۴). *مبانی رده‌شناسی زبان*. تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- گلشیری، هوشنگ (۱۳۶۸). *شازده احتجاب*. تهران: نیلوفر.
- منشی‌زاده، مجتبی و لیلا الهیان (۱۳۹۴). «بررسی سبک‌شناختی فعل در گلستان؛ متأثر از حوزه تعلیمی آن با رویکرد نقش‌گرای نظام‌مند». *جستارهای زبانی*. ش ۶. صص ۲۵۹-۲۷۹.
- هدایت، صادق (۱۳۸۳). *یوف کور*. اصفهان: صادق هدایت.

References:

- Aghagolzadeh, F., A. K. Z., Kambuzia & H. Razavian, (2011), "Stylistics of story based on verb: a functional approach". *Quarterly Journal of Stylistics of Persian Poem and Prose (Bahar e Adab)*. No. 1. Pp. 243-254. [In Persian].
- Bahman, Z. (2009). "Transitivity system and process types in Persian". *Linguistics and the Human Sciences*. No. 5. Pp. 3-36.
- Daneshvar, S. (1970). *Suvashun*. Tehran: Kharazmi. [In Persian].
- Dabir-Moghaddam, M. (2005). *Studies in Persian Linguistics* (Selected Articles). Tehran: Iran University Press. [In Persian].
- Dabir-Moghaddam, M. (2013). *Typology of Iranian Languages*. Vol. 1. Tehran: SAMT. [In Persian].
- Golshiri, H. (1989). *Prince Ehtejab*. Tehran: Nilufar. [In Persian].
- Halliday, M.A.K. & C.M.I.M Matthiessen, (2014), *Halliday's Introduction to Functional Grammar*. 4th edition. London and New York: Routledge.

- Hedayat, S. (2004). *The Blind Owl*. Isfahan: Sadegh Hedayat. [In Persian].
- Matthiessen, C. M.I.M. (2004). “Descriptive Motifs and Generalizations”. *Language Typology: A Functional Perspective*. eds. A. Caffarel, J.R. Martin and C.M.I.M. Matthiessen. Amsterdam: John Benjamins. Pp. 537-673.
- Matthiessen, C.M.I.M. (2015). “Transitivity in Different Registers: The System of PROCESS TYPE”. Manuscript.
- Monshizadeh, M. & L. Elahian, (2016), “Stylistic study of the verbs in Gulistan: An approach to Halliday’s systemic functional grammar”. *Language Related Research*. No. 6. Pp. 259-279. [In Persian].
- Pahlavan Nezhad, M. (2004). *Describing and Analyzing Clause Structure in Persian Language on the Basis of Systemic Functional Grammar*. PH.D Dissertation. Faculty of Literature and Humanities. Ferdowsi University of Mashhad. [In Persian].
- Pahlavan Nezhad, M. & A. Najafi, (2008), “The importance of the communicative function of language in child language development”. *Quarterly Journal of Educational Innovation*. No. 4. Pp. 47-74. [In Persian].
- Rasekh-Mahand, M. (2004). “Direct object position in Persian”. *Name-Ye Farhangestan*. No. 24. Pp. 56-66. [In Persian].
- Rezaei, V. & F. Bahrami, (2015), *Fundamentals of Linguistic Typology*. Tehran: Publication & Printing Center of Shahid Beheshti University. [In Persian].
- Teruya, K. & C.M.I.M. Matthiessen, (2013), “Halliday in Relation to Language Comparison and Typology”. Manuscript.